

تاریخ فلسفه در خدمت الهیات پویشی: مروری بر کتاب فلسفه دین افلاطونی از منظری پویشی

محسن فیض بخش^۱

رابرت نویل^۲ دو شکل برای فلسفه مقایسه‌ای بر می‌شمارد: عینیت‌گرایانه^۳ و هنجاری^۴. در حالی که در شکل اول، مسئله‌ی اصلی فهم و تفسیر مقایسه‌ای نگاه دو سنت مختلف درباره‌ی یک مسئله است، فلسفه‌ی مقایسه‌ای در شکل هنجاری‌اش به دنبال وام‌گیری از بازخوانی ایده‌های موجود در یک سنت برای حل مسائلی در سنت دیگر است. (Neville, 2001)

به نظر می‌رسد چنین دسته‌بندی‌ای را می‌توان درباره‌ی مطالعه‌ی هم‌زمان گذشته و اکنون یک سنت نیز ارائه کرد. گذشته‌ی یک سنت می‌تواند به مثابه دیگری برای اکنون آن سنت تلقی شود. بدین‌سان، مقایسه‌ی گذشته و حال یک سنت نیز می‌تواند به دو شکل عینیت‌گرایانه و هنجاری صورت پذیرد. در شکل اول، فهم و تفسیر ایده‌های گذشتگان در مقایسه با ایده‌های امروزیین دل‌مشغولی اصلی است؛ اما در صورت دوم، ایده‌های گذشتگان نه صرفاً برای فهمیده شدن، بلکه برای حل مسائلی معاصر بازخوانی می‌شوند. در این حالت اخیر، گذشتگان به یاری حل مسائلی معاصر می‌آیند؛ در حالی که در شکل اول، فهم نگاه گذشتگان نه ناظر به حل مسائلی معاصر که به خودی خود مورد توجه است.

به صورت معمول، تاریخ فلسفه از جنس شکل اول از دو شکلی است که در بالا ارائه شد. مورخان فلسفه با دقت و تأمل فراوان در متون بر جای مانده از فیلسوفان گذشته همواره در پی آن بوده‌اند که ایده‌های ایشان را درباره‌ی مسائلی مختلف -فارغ از نقش آن‌ها در حل مسائلی معاصر- کشف کنند. چگونگی دستیابی موجه به این هدف، خود محل بحث بسیار بوده است؛ اما در این شکل، مورخان فلسفه به دنبال حل مسائلی معاصر نبوده‌اند. اما تاریخ فلسفه می‌تواند به شکل دوم نیز فهمیده شود. فیلسوفان گذشته ایده‌هایی داشته‌اند که بازخوانی آن‌ها ممکن است بتواند در حل مسائلی معاصر فلسفه راهگشا باشد.

ویژگی جالب توجه و متمایز کننده‌ی اثر دامبروفسکی این است که در موضوع خداشناسی افلاطون، تلاش کرده این دو رویکرد را با هم جمع کند. به تعبیر خود او، وی تلاش کرده شکاف میان دو گروه را پر کند: دسته‌ی اول عبارت‌اند از کسانی مانند وایتهد و هارتس‌هورن که هواداران خداشناسی پویشی‌اند و به جهت فهم پویشی خود از فلسفه افلاطون، وی را نیز تمجید می‌کنند و دسته‌ی دوم مفسران و مورخانی‌اند که به دنبال فهم خداشناسی افلاطون از طریق تحلیل تفصیلی

^۱. دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، feyzbakhsh@ut.ac.ir

^۲. Robert Cummings Neville

^۳. Objectivist

^۴. Normative

متون بر جا مانده از اویند. (دامبروفسکی، ۱۳۹۷، ۲۶) جمع میان دو دیدگاه را می‌توان این گونه فهمید که دامبروفسکی هم‌زمان دو کار را انجام می‌دهد: اوگلا وی از نسخه‌ای از خداشناسی پویشی دفاع می‌کند و ثانیاً فهمی پویشی از خداشناسی افلاطون ارائه می‌دهد. شاید بتوان تأکید وی را بر این که «عنوان این کتاب نه فلسفه دین افلاطون، بلکه فلسفه دین افلاطونی است» (دامبروفسکی، ۱۳۹۷، ۲۶)، به این معنا فهمید. به نظر می‌رسد این ویژگی اثر وی را به اثری خواندنی هم برای علاقه‌مندان فلسفه افلاطون، هم برای علاقه‌مندان فلسفه دین معاصر تبدیل می‌کند.

دامبروفسکی برای ارائه‌ی چنین تفسیری، یک مفروض مهم دارد. به تعبیر خود او (ص ۲۳-۲۴) مجموعه‌ی آثار/مجاورات افلاطون را می‌توان به سه نحو فهمید: یا به عنوان مجموعه‌ای پراکنده و نامنسجم از ایده‌ها که ممکن است بعضی از آن‌ها با بعضی دیگر در تعارض باشند، یا به عنوان مجموعه‌ای که در کنار هم یک نظام فکری یکپارچه را می‌سازند، یا به عنوان مجموعه‌ای که به ترتیب تاریخی بازتاب دهنده‌ی سیر تحول فکری نویسنده‌اند. دامبروفسکی، به پیروی از هارتس‌هورن، دیدگاه سوم را فرض می‌گیرد. با فرض این دیدگاه، نگاه تکامل یافته‌ی افلاطون را باید در نوشته‌های متأخر وی جست. بر مبنای همین منطق، تمرکز دامبروفسکی نیز بر رساله‌های متأخر افلاطون مانند تیمائوس و قوانین است.

بر این اساس، دامبروفسکی تلاش می‌کند در شش فصل، به زوایای مختلف یک فهم پویشی از خداشناسی افلاطون (بر اساس مجاورات متأخر وی) پردازد. این زوایای مختلف شامل مفهوم و اوصاف خدا (فصل‌های ۱، ۲ و ۴)، رابطه‌ی خدا و جهان (فصل ۳)، رابطه‌ی خدا و انسان (فصل ۶) و براهین اثبات وجود خدا (فصل ۵) می‌شود. وی در هر یک از این فصول تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه تفسیری پویشی از خداشناسی افلاطون، هم می‌تواند با متون بر جا مانده از وی سازگار باشد، هم می‌تواند بر مسائلی در فلسفه دین معاصر پرتو افکند. از زاویه‌ای دیگر، وی تلاش می‌کند ایده‌های پویشی وایتهد و هارتس‌هورن را که بر فلسفه‌ی افلاطون مبتنی می‌کردند، با دقت بیشتری به متن افلاطون گره بزند.

چنان که پیش از این هم اشاره شد، این کتاب، به واسطه‌ی هدف دو گانه‌اش، نه صرفاً از جهت محتوا و استدلال اصلی آن، بلکه همچنین به واسطه‌ی بصیرت روش‌شناسانه‌ای که برای بازخوانی آثار گذشتگان ناظر به مسائل معاصر دارد، می‌تواند برای علاقه‌مندان و متخصصان فلسفه افلاطون و فلسفه دین الهام‌بخش باشد.

منابع:

دامبروفسکی، دانیل. (۱۳۹۷). *فلسفه دین افلاطونی از منظری پویشی*. ترجمه علیرضا حسن پور و طیبه حجّت زاده. تهران: ققنوس.

Neville, Robert C. (2001). Two Forms of Comparative Philosophy. *Dao: A Journal of Comparative Philosophy*. Vol. 1, No. 1, pp. 1-13.